

داستان های از ضرب المثل های فارسی

مؤلف:
دکتر فرید خواجه وند

www.ketab.ir

سرشناسه	: خواجه‌وند، فریبا، ۱۳۵۰ -
عنوان و نام پدیدآور	: داستان‌هایی از ضرب‌المثل‌های فارسی / مولف فریبا خواجه‌وند؛ ویراستار ابوالفضل امیردیوانی.
مشخصات نشر	: گرگان: انتشارات نوروزی، ۱۴۰۲
مشخصات ظاهری	: ۱۱۰ ص.
شابک	: 978-622-02-2731-1
وضعیت فهرست نویسی	: فیا
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۱۰۹ - ۱۱۰.
موضوع	: ضرب‌المثل‌های ایرانی — داستان Proverbs, Iranian -- Fiction ضرب‌المثل‌های فارسی Proverbs, Persian داستان‌های کوتاه فارسی Short stories, Persian
رده بندی کنگره	: ۳۹۶PIR
رده بندی دیویی	: ۹۹/۳۸
شماره کتابشناسی ملی	: ۹۱۵۳۳۸۱
اطلاعات رکورد کتابشناسی	: فیا

داستان‌هایی از ضرب‌المثل‌های فارسی

مؤلف : دکتر فریبا خواجه‌وند

ویراستار: ابوالفضل امیردیوانی

نوبت چاپ: اول ۱۴۰۲

مشخصات ظاهری: ۱۱۰ ص

قطع: وزیری

شمارگان: ۱۰۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۰۲-۲۷۳۱-۱

قیمت: ۷۰۰۰ تومان

چاپ و نشر: نوروزی-۱۷۳۲۲۴۲۲۵۸



گلوستان، گرگان، خیابان شهید بهشتی، پاساژ رضا، کدپستی ۴۹۱۶۶۵۷۳۷۶

Instagram: entesharatnorouzi

Phone: ۰۱۷-۳۲۲۴۲۲۵۸-۰۹۱۱۳۷۱۹۱۱۵

Website: www.entesharate-norouzi.com

Email: entesharate.norouzi@Gmail.com

۱۰	مقدمه
(الف)	
۱۱	آب پاکی روی دستش ریخت
۱۱	آب زیر کاهست
۱۲	آبشان از یک جوی نمی‌رود
۱۲	آتش بیار معرکه شده است
۱۳	آنچه که عیانست چه حاجت به بیانست
۱۳	از آسمان افتاده است
۱۴	از بیخ عرب شد
۱۴	از پشت خنجر زد
۱۵	از دماغ فیل افتاده است
۱۶	از ریش به سبیل می‌زند
۱۷	از کوره در رفت
۱۷	از کیسه‌ی خلیفه می‌بخشد
۱۸	اشک تمساح می‌ریزد
۱۹	اگر برای من آب ندارد برای تو که نان دارد
۱۹	ایراد بنی اسرائیلی می‌گیرد
۲۰	این شتری است که در خانه همه می‌خوابد
۲۰	اینها همه شعر و ور است
۲۱	امروز کار خانه با فضا است
۲۲	از خجالت آب شد
۲۲	آش نخورده و دهن سوخته
۲۲	استخوان لای زخم گذاشتن
(ب)	
۲۳	بعد از سی سال نوروز به شنبه افتاد
۲۴	بل گرفتن
۲۵	بوقش را زدند
۲۵	به رخ کشیدن
۲۶	بند را آب داد

- ۲۶..... با همه بله، با من هم بله؟!.....
- ۲۷..... با آب حمام دوست می‌گیرد.....
- ۲۷..... باج به شغال (شغاد) نمی‌دهد.....
- ۲۸..... بادنجان دورقاب چین.....
- ۲۹..... با سلام و صلوات.....
- ۳۰..... بالاتر از سیاهی رنگی نیست.....
- ۳۲..... به خاک سیاه نشانندن.....
- ۳۲..... برج زهرمار.....
- ۳۳..... برو آنجا که عرب نی انداخت.....
- ۳۳..... به رویاه گفتند شاهدت کیست؟ گفت دمم!.....
- ۳۴..... بوی حلوایش می‌آید.....
- ۳۴..... بار کج به منزل نمی‌رسد.....
- ۳۵..... بیرونمان مردم را می‌کشد، از تو خودمان را.....

(پ)

- ۳۶..... پتاهش روی آب افتاد.....
- ۳۶..... پدرش را در می‌آورم یا پدرسوخته.....
- ۳۷..... پارتی بازی کردن.....
- ۳۷..... پغیوز بودن.....
- ۳۸..... پهلوان پنبه.....
- ۳۸..... پیراهن عثمان کردن.....
- ۳۹..... پشمش بدان.....
- ۴۰..... پس نوح با بدان بنشست.....

(ت)

- ۴۰..... تعارف شاه عبدالعظیمی.....
- ۴۱..... تیری به تاریکی رها کردن.....
- ۴۲..... تو نیکی می‌کن و در دجله انداز.....
- ۴۳..... توبه نصح.....
- ۴۴..... تُرکیش تمام شد.....

(ج)

- ۴۵..... جنگل مولا.....
- ۴۶..... جور کسی را کشیدن.....

جیک و بوکشان درست است (با هم است)..... ۴۷
جیم شدن..... ۴۸

(چ)

چاه کن ته چاه است..... ۴۹
چرا عاقل کند کاری، که باز آرد پشیمانی..... ۴۹
چند مرده حلاجی..... ۵۱
چو فردا شود فکر فردا کنیم..... ۵۲
چوب تو آستین کردن..... ۵۲
چوب کاری نفرمایید..... ۵۳

(ح)

حاجی حاجی مگه..... ۵۴
حرف را به کرسی نشانندن..... ۵۴
حرف مفت زدن..... ۵۵
حمام زنانه شد..... ۵۶

(خ)

خاک بر سر کردن..... ۵۷
خرج اعطینا کردن..... ۵۸
خر من از کرگی دم نداشت..... ۵۸
خروس بی محل..... ۶۱
خط و نشان کشیدن..... ۶۲

(د)

دروازه را می توان بست ولی دهان مردم را نمی توان بست..... ۶۴
دروغ شاخ دار..... ۶۵
دری وری گفتن..... ۶۵
دست کسی را در حنا گذاشتن..... ۶۶
دست و پای کسی را در پوست گردو گذاشتن..... ۶۷
دنبال نخود سیاه فرستادن..... ۶۷
دو قورت و نیمش باقی است..... ۶۸

(ر)

ریش و قیچی به دست کسی سپردن..... ۶۹

امثال و حکم یکی از کهن‌ترین تراوشات ذهنی و اندیشه‌های روشن هوشمندان گمنام است که از دور دست‌های تاریخ به یادگار مانده است و به همین سبب کتیبه‌ها و سنگ نبشته‌های باستانی اعتبار و سندیت بی‌گفت و گو و خدشه‌ناپذیر دارد. در روزگارانی که مردم این سرزمین خواندن و نوشتن نمی‌دانستند به طور حتم وقوع حوادث و سوانح متعدد آنها را به تفکر و تعمق وا داشته و سبب گردیده که عصاره حادثه‌ای که شاید مدت‌ها طول کشیده تا عوارض و تبعات خوب و بد آن مشخص گردد در قال یک جمله یا عبارت گنجانده شود. تا به آسانی در خواطر باقی بماند و سینه به سینه و از نسلی به نسل دیگر انتقال یابد.

اما تحقیق در منابع و مأخذ امثال و حکم و گلچین آن‌ها کاری بس دشوار و توان‌فرسا است. اما بسیار خشنودم که حاصل زحمات من، کتابی خواندنی، شیرین و آموزنده و مایه افتخار است. امید است که خوانندگان گرامی حظّ و بهره لازم را از این کتاب ببرند و اذهانشان منور از نور آگاهی شود.

فریبا خواجه‌وند